

گالری گردی

«برشی از روایت» توران زندیه

● **شرق:** توران زندیه، نقاشی‌هایش را به ایران منتقل کرده است تا گزیده‌ای از آنچه را که در تمام این سال‌ها در ذهن داشته است، با عنوان «برشی از روایت» برای هم‌وطن‌هایش بازگو کند. توران زندیه با آنکه فارغ‌التحصیل رشته نقاشی است اما نقاشی را دیر آغاز کرد. به گفته خودش مسئولیت و تعهد به زندگی خانوادگی، او را بر آن داشت تا در کنار همسرش، غلامحسین نامی که از نقاشان شناخته‌شده ایرانی است، تدریس کند و همراهی با خانواده را در پیش بگیرد. او اما بعد از مهاجرتی که همراه نامی به کانادا انجام داد، فراغت بیشتری پیدا کرد تا بتواند آنچه را که در این دوره‌ها در ذهنش بوده، به تصویر بکشد و حالا با توشه‌ای از این آثار به ایران سفر کرده تا «برشی از این روایت» را نمایش دهد. نمایشگاه آثار توران زندیه از سوم اردیبهشت در گالری صا برگزار می‌شود. او سال گذشته هم در این گالری نمایشگاهی برپا کرد. زندیه در مورد آثاری که در این نمایشگاه روی دیوار می‌روند، به «شرق» گفت: «برگزیده‌ای از تمام کارهایم را که شامل ۳۳ کلاژ است برای این نمایشگاه آماده کرده‌ام البته ممکن است به دلیل محدودیت جا نتوانیم همه آثار را نمایش دهیم اما تلاشمان این است که بیشتر کارها نشان داده شود».

او که در این سال‌ها به کلاژ پرداخته است، افزود: «موزه کلاژ دارای اهمیت زیادی است و توجه جهان به این سمت رفته است، مثلا در نیویورک و کالیفرنیا مشغول ساخت موزه‌هایی با آثار کلاژ هستند چون در عصر جدید، وسیله کار، تکنیک را به وجود می‌آورد. تکنیک‌هایی مانند رنگ و روغن، آبرنگ و... سال‌هاست که در دنیا رواج داشته منتها در دنیای مدرن افراد به وسایل دیگری روی می‌آورند تا کارهایشان تازه‌تر باشد. از آنجاکه در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که عصر مصرف است، کلاژی می‌تواند وسیله مناسبی برای نمایش آنچه باشد که دیگر قابل‌مصرف نیست».

زندیه در این آثار از مجلات رنگی کلاژ تهیه کرده و از کنار هم قراردادن آنها مجموعه‌ای فراهم کرده است. او در مورد بازخوردی که از نمایش این آثار در کانادا داشته است، چنین عنوان کرد: «در نمایشگاه‌هایی که در تورنتو برگزار کردم، خیلی‌ها معتقد بودند این کار از نظر تکنیک و استفاده از مجلات رنگی تازه هستند، البته تم همیشگی کارهایم زن بوده است اما به دلیل اینکه آثارم اکسپرسیو هستند، از مسائل اجتماعی هم دور نیستند». او درباره سال‌هایی که کمتر به نقاشی پرداخته، گفت: «به خاطر اقتصادی که به فرهنگ خانواده داشتم، ۲۷سال بود که کار نکرده بودم. ما سال ۴۵ ازدواج کردیم و دوست داشتم شرایطی ایجاد کنیم که «نامی» بتواند کار کند. از نظر مالی هم آن قدر پولدار نبودیم که هر دو نقاشی کنیم و زندگی را بچرخانیم پس یکی از ما باید نقاشی می‌کرد و دیگری مسئولیت بچه‌ها و خانواده را برعهده می‌گرفت. درعین‌حال من به تدریس هم مشغول بودم و در برابر هنرجویان نسبت به تغییرات اجتماعی احساس مسئولیت می‌کردم. بنابراین این هنرجویان کلاس‌های من بود و من سعی کردم به آنها یاد بدهم که چگونه در قبال وقایع، آرامش کسب کنند». او ادامه داد: «با وجود اینکه همیشه فکر می‌کردم آدم خوشبختی هستم اما مسئله مهاجرت به کانادا و بازنتستگی مطلق، فرصتی را برای کارکردن برایم فراهم کرد و بعد از ۳۷ سال در ۶۲سالگی اولین نقاشی‌هایم را شروع کردم. اولین نمایشگاه‌م را در ۶۹سالگی در کانادا برگزار کردم و الان که ۷۶سال دارم، هر سال نمایشگاهی داشته‌ام». کلاژهای زندیه خاطرات خوشایند او از چهل‌تکه‌دوزی‌های مادرش در دوران کودکی است، «از همان اولین کارهایم ناخودگاه به سمت کلاژ رفتم. مادرم چهل‌تکه‌هایی درست می‌کرد که من عاشق آنها بودم و در دوران کودکی از دیدن آنها لذت می‌بردم. این چهل‌تکه‌هایی اثر عمیقی روی من گذاشته بودند و همین باعث شد وقتی دوباره به سمت نقاشی می‌روم، کلاژ را انتخاب کنم. اولین نمایشگاهم در تورنتو بود که فروش خوبی هم داشت. یکی از خریداران ۱۵هزار دلار اثر از من خرید و هنگامی که به گالری بیرون رفت، ناخودآگاه اشک ریختم. انکار قسمتی از وجودم فرو ریخت اما درعین‌حال متوجه شدم نمی‌خواهم کارهایم در کانادا بماند، برای همین بود که همه آنها را به ایران منتقل کردم و خوشبختانه این آثار صدمه ندیدند».

نمایشگاه آثار توران زندیه از جمعه، سوم اردیبهشت تا دوازدهم همین ماه در گالری صا به نشانی خیابان پاسداران، خیابان بوستان هشتم، پلاک ۱۳۴ بر پا می‌شود.



علی فرامرزی

پاسخ‌گویی و شفافیت در جهان امروز آنچنان امری رایج و ضروری شده که گاه انسان احساس می‌کند رو به سوی افراط دارد. از یک شرکت خصوصی که از چند نفر تشکیل شده حتما یکی به عنوان سخنگو معرفی می‌شود؛ چراکه دریافت‌هاند در دنیای مدرن و عصر ارتباطات، افکار عمومی را با پشتوانه و نیرویی که مردم از وسایل ارتباط جمعی به‌دست می‌آورند جز با قانع‌کردن نمی‌توان مهار کرد. این را مسئولان حوزه هنر هم باید بپذیرند که جهان رو به سوی شفاف‌شدن دارد. زمان پشت درهای بسته نشتن و در محافل خصوصی قول و قرارگذاشتن گذشته است. زمان گفتن حرف‌های دویپهلو دارد به‌سر می‌آید. این تغییرات

از ملزومات و نتایج رای آزاد و دموکراسی است. وقتی مردم را تشویق به مشارکت می‌کنیم پس باید جواب‌گو هم باشیم و انتقاد و اشتباه را هم بپذیریم. فرقی هم نمی‌کند؛ چه فلان انجمن مردم‌نهاد باشی یا ارگانی نیمه‌خصوصی یا تمام‌دولتی. جهان میل به شیشه‌ای‌شدن دارد. باید پذیرفت، باید قبل از آنکه آب از سر بگذرد جهت را عوض کرد. این به این معنی نیست که تمام تصمیماتی که در پشت درها گرفته شده، لزوماً براساس دوزدن منافع دیگران بوده، در بسیاری موارد و شرایط این تصمیم‌ها تنها راه‌حل برای پیشبرد بعضی امور بوده و گاهی از ملزومات مدیریت موفق هم بوده است (اگر چه در خیلی مواقع خود ملزومات بهانه‌ای برای سوءاستفاده می‌شده)، ولی هرچه بوده دیگر زمانش گذشته. وقتی به فلان

کیومرث مرادی با بازیگران آمریکایی روی صحنه می‌رود

«تجربه‌های اخیر» کارگردان ایرانی در آمریکا



صحنه‌ای از نمایش «تجربه‌های اخیر» به کارگردانی کیومرث مرادی

قصه این خانواده را که در آمریکای شمالی می‌گذرد، از آن زمان تا سال ۲۰۰۷ دنبال می‌کنیم و حدود ۱۰۰ سال این خانواده و چهار نسل آن را می‌بینیم. نمایش‌نامه در این کشور بسیار معنا پیدا می‌کند؛ به‌ویژه وقتی که در طول قصه ما از کنسار اتفاق‌های بزرگی مانند جنگ جهانی اول، جنگ و تلاش زنان برای گرفتن حق رای در سال ۱۳۲۶، جنگ جهانی دوم، آپارتاید و... می‌گذریم.

«تجربه‌های اخیر» توضیح می‌دهد: «نمایش‌نامه شما را بخش‌های مهمی از فرهنگ مردمی که در آمریکای شمالی زندگی کردند و تا امروز آن را ساختند، همراه می‌کند. اثری مدرن با مؤلفه‌های یک اجرای مینیمالیستی که چه به‌عنوان کارگردان و چه به‌عنوان بازیگر به‌شدت افراد را وسوسه می‌کند تا آن را به نمایش بگذارند».

مرادی که پیش‌تر قرار بود گونه فارسی «تجربه‌های اخیر»، نوشته امیررضا

کوهستانی را در ایران روی صحنه ببرد، درباره چگونگی شکل‌گیری این اجرا در آمریکا می‌گوید: «این سومین نمایشی است که من در آمریکا کارگردانی می‌کنم، آن هم در کمپانی تئاتر امید. ما این کمپانی

مسئول در ابتدای کارش نصیحت می‌کنی که از لوازم مدیریت مؤثر، داشتن مشاوران آگاه و کاربلد است و جواب می‌شنوی که من می‌خواهم بدون مشاور کار کنم، چون هرچه تاکنون پیش آمده بخش مهمی از آن به خاطر مشاوران بوده، تجربه به تو اخطار می‌کند که اوضاع چندان واقع‌بینانه پیش نخواهد رفت؛ چراکه می‌دانی اگر چیزی اشتباه بوده به خاطر نفس مشورت نبوده، بلکه یا مشاوران در جایگاه درستی نبوده‌اند یا حسن‌نیت به‌قدر کافی در میان نبوده است. ازهمین‌روست که این روزها صحبت از مدیریت هیات امنائی برای مراکز فرهنگی مطرح است. اتفاقات چند هفته گذشته در عرصه هنرهای تجسمی می‌تواند گفتنی‌های بسیار و بررسی‌های چندجانبه‌ای را در دل خود داشته باشد. برای اهل

دقت و انصاف، برای انجمن‌های هنری و فرهنگی و برای سوی دیگر قضیه که مسئولان دولتی این حوزه باشند درس‌های آموختنی کافی در خود دارد. آن‌قدر گفته شده که دیگر تکراری به نظر می‌آید؛ اینکه در عصر ارتباطات باید رو به سوی مردم داشت، چه این انسان‌ها اعضای یک شکل باشند یا اتحاد مردم. بنده بسیار خوشحالم که بعد از آن همه گفتن‌های مکتوب و تذکره‌های شفاهی اکنون واقعیت‌های برآمده از رأی مردم لزوم شفاف‌سازی و توضیح‌دادن را به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر درآورده است. گمان این است که مقداری از مسائل این روزهای عرصه تجسمی با درمیان گذاشتن واقعیت‌ها و گاهی پذیرفتن بعضی اشتباهات رفع‌شدنی است و در نتیجه ایجاد تقاهم و همدلی کم‌هزینه خواهد بود و گرفتن نتایج مثبت هرچه بیشتر، دور از دسترس نخواهد بود. در دو هفته اخیر این دومین‌بار است می‌نویسم که یادمان باشد این روزها، روزهای حساسی است.

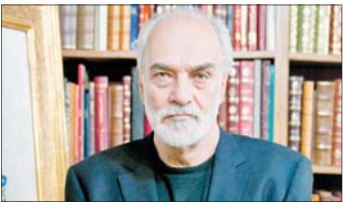
یک اثر هنری می‌کند و انگیزه‌ای برای خلق یک اثر هنری می‌شود. فکر می‌کنم مواجهه من با اجتماعی که امروز در آن مستم، باعث شد که من دست به این انتخاب بزنم. اینکه بتوانم با مخاطب این جغرافیا با زبان نمایش مواجهه شوم و در اجرای نمایش، مخاطب و ما با هم به یک کشف مشترک برسیم، جذاب بود. این ظرفیتی است که نمایش «تجربه‌های اخیر» دارد و به ما کمک کرد تا بتوانیم یک تجربه متفاوت را شکل دهیم».

با توجه به اختلاف زبان و فرهنگ، حتما کار با تیم غیرایرانی دشوار است؛ اما مرادی این تجربه را در چنین توصیف می‌کند: «هیچ‌وقت این جمله را فراموش نمی‌کنم که هنر یک کارکردان در ایجاد یک زبان اجرای مشترک میان اثر نمایشی و مخاطب است؛ زبانی که در آن جادوی زندگی مشترک، احساس مشترک و درک مشترک وجود دارد. «تجربه‌های اخیر» برای من جادوی زندگی مشترک، احساس و درک مشترک با تماشاگر است».

مرادی که چند سالی است در آمریکا ساکن شده و تحصیل می‌کند و البته در این مدت در ایران نیز نمایش «سیمرغ» و «شکل» را روی صحنه برده، ساعت‌های ۱۵ و ۱۷ در سینماک موزه هنرهای معاصر برگزار خواهد شد. بنا بر گزارش روابطعمومی موزه هنرهای معاصر تهران، هفته فیلم فرانسه از روز شنبه چهارم تا روز سه‌شنبه هفتم اردیبهشت (در دو ستانس، در ساعت‌های ۱۵ و ۱۷) با همکاری سفارت فرانسه در تهران در سینماک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار خواهد شد. در این هفته فیلم آثاری از لئو کاراکس، کلر دنی، فیلیپ فالکون، ژان داولین، زاویه بووا و بنوا ژاکو با زبان اصلی و زیرنویس فارسی نمایش داده می‌شوند. فیلم‌های یادشده که همگی محصول دوران پس از موج نو سینمای فرانسه‌اند، توسط ژان میشل فرودون، منتقد فرانسوی و سردبیر سابق مجله کایه‌ودوسینما، انتخاب شده است که طی این برنامه در سینماک حضور خواهد داشت و بعد از نمایش هر فیلم به نقد و بررسی آن خواهد پرداخت. مراسم افتتاحیه، روز شنبه چهارم اردیبهشت ساعت ۱۶ با حضور سفیر فرانسه و مدیر موزه هنرهای معاصر تهران در سالن سینماک موزه هنرهای معاصر برگزار می‌شود. همچنین بعد از مراسم افتتاحیه، فیلم «خون پلید» به کارگردانی لئو کاراکس محصول سال ۱۹۸۶ به مدت ۱۱۶ دقیقه با زیرنویس فارسی به نمایش درمی‌آید.

چهار روز

آیدین آغداشلو به تبریز می‌رود



● **شرق:** آیدین آغداشلو، نقاش و هنرمند ایرانی، پنجشنبه دوم اردیبهشت در شهر تبریز در نشستی با عنوان «مکتب تبریز با آیدین آغداشلو» شرکت می‌کند. این نشست که توسط کپ‌گرافیک تبریز برگزار می‌شود، به بررسی و تبیین مکتب تبریز با حضور هنرمند نقاش، آیدین آغداشلو، خواهد پرداخت. نشست «مکتب تبریز با آیدین آغداشلو» روز پنجشنبه دوم اردیبهشت ساعت پنج بعدازظهر در شهر تبریز، تقاطع سربلایی ولیعصر و بلوار استاد شهريار (چایکینار)، مجتمع سینمایی ۲۲ بهمن (سینما ناجی)، سالن استاد صیامی برگزار خواهد شد. آیدین آغداشلو از سرشناس‌ترین هنرمندان تجسمی تاریخ هنر ایران است که اسفندماه گذشته، مجموعه هشت‌جلدی کتاب‌های او توسط نشر آبان منتشر شد.

زیر آسمان فیروزهای

۴۰۰ سالگی شکسپیر

در تئاتر مستقل تهران

● **شرق:** مراسم ۴۰۰ سالگی درگذشت ویلیام شکسپیر، نمایش‌نامه‌نویس و شاعر بزرگ انگلیسی شنبه چهار اردیبهشت در تئاتر مستقل تهران، ساعت ۲۰ با سخنرانی دکتر قطب‌الدین صادقی و منوچهر انور و اجراهایی از آثار شکسپیر از سوی میکایل شهرستانی، یاسر خاسب، گروه پایپون و گروه موسیقی کله‌پوک‌ها گرمای داشته می‌شود.

هفته فیلم فرانسه

در موزه هنرهای معاصر تهران

● **شرق:** هفته فیلم فرانسه با نمایش شش فیلم از روز شنبه چهارم اردیبهشت در دو ستانس، در ساعت‌های ۱۵ و ۱۷ در سینماک موزه هنرهای معاصر برگزار خواهد شد. بنا بر گزارش روابطعمومی موزه هنرهای معاصر تهران، هفته فیلم فرانسه از روز شنبه چهارم تا روز سه‌شنبه هفتم اردیبهشت (در دو ستانس، در ساعت‌های ۱۵ و ۱۷) با همکاری سفارت فرانسه در تهران در سینماک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار خواهد شد. در این هفته فیلم آثاری از لئو کاراکس، کلر دنی، فیلیپ فالکون، ژان داولین، زاویه بووا و بنوا ژاکو با زبان اصلی و زیرنویس فارسی نمایش داده می‌شوند. فیلم‌های یادشده که همگی محصول دوران پس از موج نو سینمای فرانسه‌اند، توسط ژان میشل فرودون، منتقد فرانسوی و سردبیر سابق مجله کایه‌ودوسینما، انتخاب شده است که طی این برنامه در سینماک حضور خواهد داشت و بعد از نمایش هر فیلم به نقد و بررسی آن خواهد پرداخت. مراسم افتتاحیه، روز شنبه چهارم اردیبهشت ساعت ۱۶ با حضور سفیر فرانسه و مدیر موزه هنرهای معاصر تهران در سالن سینماک موزه هنرهای معاصر برگزار می‌شود. همچنین بعد از مراسم افتتاحیه، فیلم «خون پلید» به کارگردانی لئو کاراکس محصول سال ۱۹۸۶ به مدت ۱۱۶ دقیقه با زیرنویس فارسی به نمایش درمی‌آید.

معرفی برندگان پولیتزر ۲۰۱۶

● **شرق:** تحلیل‌ها درباره جایزه ادبی پولیتزر درست از آب درنیامد. با اعلام برندگان جایزه پولیتزر، گمانه‌زنی‌هایی که پیش‌ازاین برای اثر دیگری شده بود، از میان رفت و اعضای هیأت داوران جایزه را به «همدر» دادند. به گزارش ایسنا، کارخانه‌ای که زمان انتشار فهرست نامزدهای نهایی در اکثر نقدها نام «بیک زندگی کوچک» به قلم «هانیا یاناکوپارا» به‌عنوان شانس دریافت جایزه تکرار می‌شد، هیات داوران «پولیتزر» ۲۰۱۶ ویت‌نان نگویان را برای نگارش «همدر» شایسته دریافت این جایزه ادبی شناختند تقریباً هیچ‌یک از نظریات ادبی را «همدر» که به دوران جنگ ویتنام از نگاه یک جاسوس ویتنامی پرداخته، به‌عنوان شانس دریافت «پولیتزر» نام‌نبرده بودند. «کلی لینک» و «مارگارت وریل» فینالیست‌های این بخش بودند. «همیلتون» نوشته لین مانول میراندا جایزه بخش نمایش‌نامه‌نویسی را از آن خود کرد. جایزه بخش کتاب تاریخی «پولیتزر» نصیب «محاکمه کاستز: زندگی در مرز آمریکای نو» نوشته تی. جی. استایلز شد. جایزه بخش زندگی‌نامه یا شرح‌حال‌نویسی این دوره به ویلیام فینگان، نویسنده کتاب «روزهای بربری‌وار» تعلق گرفت. در بخش شعر «پولیتزر» ۲۰۱۶ «دفتر خاطرات اوزون» کتابی شامل سروده‌های پیتربالاکیان، به‌عنوان برنده انتخاب شد. الیزابت ویلیس و دایان سوس نامزدهای نهایی این بخش بودند. جاسی واریک جایزه ادبیات غیرداستانی عمومی را با کتاب «پرچم‌های سیاه: قیام داعش» به دست آورد. این کتاب نشان داده چطور منطق اشتباه پشت جنگ عراق کمک کرد تا گروه تروریستی داعش رشد پیدا کند. جایزه بخش موسیقی هم به «هنری تردگیل» رسید.

دیگر نمی‌شود

مسئول در ابتدای کارش نصیحت می‌کنی که از لوازم مدیریت مؤثر، داشتن مشاوران آگاه و کاربلد است و جواب می‌شنوی که من می‌خواهم بدون مشاور کار کنم، چون هرچه تاکنون پیش آمده بخش مهمی از آن به خاطر مشاوران بوده، تجربه به تو اخطار می‌کند که اوضاع چندان واقع‌بینانه پیش نخواهد رفت؛ چراکه می‌دانی اگر چیزی اشتباه بوده به خاطر نفس مشورت نبوده، بلکه یا مشاوران در جایگاه درستی نبوده‌اند یا حسن‌نیت به‌قدر کافی در میان نبوده است. ازهمین‌روست که این روزها صحبت از مدیریت هیات امنائی برای مراکز فرهنگی مطرح است. اتفاقات چند هفته گذشته در عرصه هنرهای تجسمی می‌تواند گفتنی‌های بسیار و بررسی‌های چندجانبه‌ای را در دل خود داشته باشد. برای اهل

نکته



مرادی: چیزی که اصل اول یک هنرمند است، مواجهه با اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. این مواجهه گاهی او را غرق در یک اثر هنری می‌کند و انگیزه‌ای برای خلق یک اثر هنری می‌شود

مرادی درباره تجربه اجرا با بازیگران غیرایرانی نیز به «شرق» می‌گوید: «چیزی که اصل اول کار یک هنرمند است، مواجهه او با اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. این مواجهه گاهی او را غرق در

هنرمندی که امروز کشف شد

می‌شود و برمی‌گردد. چون می‌داند خوشبختی‌اش، با همه گرفتاری‌هایش «درون همان خانه» است. نه «خارج» از آن. خوشبختی آنجاست. این حرف

جایش اشکال دارد؟ «من می‌گویم چرا «خارجی» را راه را دادند؟ از اولش گفت‌وگو با آنها غلط بود. نباید با آنها مذاکره می‌کردند».

«شما که باز حرف خودت را می‌زنی. مهم این است که خودشان متکی به خودشان مشکلاتشان را حل کردند».

«اما من می‌گویم فیلم مشکل دارد. به‌خصوص اسمش. یعنی چه گذاشته‌اند «ابد و یک روز»؟ یک اسم دیگر می‌گذاشتند. نمی‌شد؟»

«گفتم شما انکار با همه چیز این فیلم مشکل داری. توی فیلم که توضیح داده «ابد و یک روز» یعنی چه؟ اینکه دیگر پرسیدن نداره. «بودار است. لایذ خواسته چیزی بگوید. کنایه‌ای برنده».

«تیریم کنایه رده. اتفاقی می‌افتد؟»

نبیاید بزند. این کارها برای خوشایند «خارجی» هاست. آنها از این‌جور چیزها خوششان می‌آید».

«چرا خوششان می‌آید». «از چه چیزهایی؟» «از این جنجولک بازی‌ها».

«منظورت را نمی‌فهمم؟»

«منظورم» جنسواره‌های خارجی است. آنها از این‌جور چیزها خوششان می‌آید. این‌جور اسم‌ها و این‌جور سیاه‌نمایی‌ها. کلا این‌جور فیلم‌ها را دوست دارند». «بین دوست من، شما سال‌ها راجع به «عباس کیارستمی» هم همین حرف‌ها را زده‌اید. از اینکه او برای «دلقه خارجی‌ها» فیلم می‌سازد و هم‌اش چشمش به دهان آنهاست که ببیند آنها چه می‌گویند تا به میل آنها فیلم بسازد. بعد هم برای اثبات حرفتان جوابی را که به او می‌دادند مثال می‌زدید. آیا همین بدبینی مفسرط، خودش یک نوع «سیاهی‌بینی» و «سیاه‌نمایی» نیست؟ افتخاری که با جوایز او نصیب کشور می‌شد را «خیانت» جلوه‌دادن دیگر چه معنایی جز «سیاه‌نمایی» می‌توانست داشته باشد؟»

«حرف آقای کیارستمی را نمی‌زدیم که پای ایشان را وسط کشیدیم؟»



«عجب آدمی هستی‌ها واقعا آدم را از کوره در می‌بری. خُب حالا چه نتیجه‌ای می‌خواهی بگیری؟» «هیچی. می‌خواهم بگویم کارگردان اشتباه کرده، نباید پای «خارجی» را به آن «خانه» باز می‌کرد».

«منظورت از خارجی، همان خانواده محترم

«افغانی» در فیلم است؟»

«حالا هرچی، بالاخره «خارجی» «خارجی»‌اند».

«بسیار خب. اما مگر فیلم ر تا آخر

ندیده‌ای؟»

«چرا دیده‌ام. چطور مگر؟»

«می‌شود آخرش را تعریف کنی؟»

«دختر برمی‌گردد خانه. خُب که چی؟»

«دختر چقدر به‌دست می‌خواسته برود

«خارج» تا خوشبخت شود. اما نمی‌رود. پیاده